

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

سیامک ستوده

۱۲ جولای ۲۰۱۶

ایرج مصداقی آستان بوسی سلطنت در وحشت از خمینی

شکست خوردگان به جای آن که با نقد علمی از تجربه گذشته ره به سوی آینده ببرند و در تلاش برای کسب پیروزی هائی باشند که ایده آل های بشری را محقق سازند، در گردابی از یأس و نومیدی، دائماً به گذشته رجوع می کنند و تلاش می نمایند از میان بد و برتر ها، کمتر- بد ها را، و از میان بیراهه های شکست، بیراهه های کمتر زیان آور را انتخاب کنند. به این ترتیب است که با آه و افسوس، دست به مقایسه میان خمینی و بختیار می زنند و با پشیمانی از گذشته دائماً تکرار می کنند که کاش از بختیار دفاع کرده بودیم، کاش با ایستادن در برابر شاه راه را برای ورود خمینی به قدرت نگشوده بودیم. اینها توابع تاریخ هستند که به جای آن که از گذشته و اشتباهات خود برای حرکت به سوی آینده درس بگیرند، در گذشته درجا می زنند. آنها توجه ندارند که در مبارزه برای آزادی و عدالت جایی برای توقف وجود ندارد. همانگونه که آرمانخواهی و به پیش نگرستن انسان را به جلو می برد و او را به ایده آل های خودش، اگر هم که کاملاً نرساند، ولی به طور قطع نزدیک می کند، تقلیل گرایی و جست و جوی خوشبختی در زباله های گذشته او را به جایی جز به قهقراء سوق نمی دهد.

جدیدترین این افسوس خوردگان، ایرج مصداقی است که شنبه ۲۵ جون در تورنتوی کانادا سخنرانی داشت. در این سخنرانی به علت تحریم گروه های چپ و مترقی بیش از بیست و چند نفری که تعدادی هم از خود برپا کنندگان مجلس بودند، شرکت نکرده بودند. اما آنچه که مهم بود سخنان سخنران بود. سخنان ایرج مصداقی را به طور کلی در دو قسمت می شد خلاصه کرد. بخشی از آن که به طور خسته کننده و ملال آوری تکراری و پر از مطالب غیر ضروری و بی ربط به موضوع اصلی سخنرانی بود. بخش دیگر آن هم که موضوع اصلی سخنرانی وی را تشکیل می داد تماماً انتقاد و کوبیدن نیروهای چپ در جریان انقلاب ۵۷ و بعد از آن، منتها از موضع راست بود. هیچ چیز تازه قابل توجهی در سخنان او وجود نداشت. در واقع با مشت خالی به جنگ چپ و عملکرد آن در انقلاب ۵۷ و بعد از آن رفته بود. فشرده انتقاد او از نیروهای چپ و مترقی این بود که چرا آنها از حکومت بختیار در برابر خمینی دفاع نکردند.

این راه را قبلاً کسان دیگر هم مثل میرفطروس و خوئی رفته و به جایی جز آستان بوسی سلطنت نرسیده بودند. مصداقی هم با قرار دادن حکومت بختیار در کنار خمینی و مقایسه آندو، اینطور وانمود می کرد که گویا راه درستی که

چپ، مجاهدین و سایر نیروها می بایست در پیش می گرفتند، انتخاب میان بد و بدتر، یعنی حمایت از حکومت بختیار و شاه در برابر حکومت سیاه و سرکوبگر خمینی بود. بنابراین، نقد او از چپ و نیروهای مترقی در آن زمان به جای نشان دادن کمبودها و ضعف های آنها در مبارزه برای سرنوشت شاه و تغییر و تحول انقلابی در آن مقطع، دعوت این نیروها به تسلیم و ممانعت با رژیم شاه بود. پیامک ستوده